



شخصیت‌ها از شریعتی سخن می‌گویند



آیت‌الله خامنه‌ای: شریعتی برخلاف آنچه گفته می‌شود درباره او و هدایت همه عده‌ای خیال می‌کنند که فقط خدا روحانی بوده، بلکه عمیقاً مومن و معتقد به رسالت روحانیت بود و فرق بگذاریم بین روابط او با روحانیت، روابط او با روحانیون نسبت به روابط او با روحانیت همان چیزی است که گفته‌ام او می‌گفت روحانیت یک ضرورت است، یک نهاد اصیل و عمیق و غیر قابل خدشه است و اگر کسی با او مخالفت کند، بنیاداً از یک ایشخوَر استعماری تعبیه می‌شود. این‌ها اعتقادات او بود در این هیچ شک نکنید. این از چیزهایی بود که جزء معرف فطری شریعتی بوده، اما در مورد روحانیت او تصور می‌شد این بود که روحانیون به روستایی که روحانیون برایش دارند به طور کامل عمل نمی‌کنند.

آیت‌الله دکتر بهشتی: دکتر مردی سخت‌کوش، پرتلاش و پرکار و پیر احساس و بیکه انسان به راستی هنرمند بود، و این جنبه هنری در فلسفه و نوشته‌هایش به خوبی مشهود است. بیک اندیشه بر جهش بود و این جهش‌ها به خوبی در نوشته‌ها و گفتارهای مشهود است. به راستی علاقه‌مند بود به این که دور از تأثیر فرهنگ غرب و شرق در این سرزمین ما یک جهش و انقلاب اصیل در برتر اسلام و بر اساس تعالیم اسلام به وجود بیاید و به این کار سخت عشق می‌ورزید و علاقه داشت و به نسل جوان بسیار بها می‌داد و با زنجیر و درد نسل جوان آشنا بود و می‌توانست بیانشگر آرمان‌ها و آرزوهای و نیت‌ها و دردهای آن‌ها باشد و به هر حال، یک سرمایه ارزنده بود. البته همان‌طور که گفته دکتر پوینده و جوینده بود که در راه پوییش و جویندیش در برداشت‌های اسلامی و اجتماعی در مرزهای اشتباهات قابل ملاحظه‌ای داشت و لازم است در رابطه با خواندن آثار دکتر به این نکات توجه شود.



آیت‌الله جعفری: آخرین ملاقاتی که من با مرحوم دکتر شریعتی داشتم آن وقتی بود که او تازه از زندان بیرون آمده بود. شبی بود که تا نیمه‌شب در بعد از نیمه‌شب با او بودیم و آن روح جانویس و دریافت احسن را چنان بر او دادم که این مخاطره هیچ‌وقت از نظرم محو نمی‌شود. رفتار صمیمت می‌کردم با تمام جوانان گوش و چشم و فکرم متوجه جمله‌های من بود و می‌گفت و بعد نه من بزمی می‌کردم. با یک توضیح بهتر و با یک تعبیر بالاتر، یادم هست که آخرین مسأله‌ای که بعد از نیمه‌شب مطرح شد تفسیر مسوره قدر بود. مسئله لیل القدر، من بیک جمله‌ای گفتم و دادم او شروع کرد بسط دادن که مراد آن قدر جذاب کرد که بسیاری از نسبت گفتم، بعد از او جدا کردم و به طرفه تقدیر لیل القدرش رفتم، من هم به حرف تقدیر من به زندان رفتم و سعادت شهادت را با این که زمینه‌اش فراهم بود و از آثارش می‌دیدم نماندم. شاید هم خواست شما چون در هم هجرت گونا و در مسیر شهادتین پیش رفت.



استاد معذروف: حکیمی: دکتر شریعتی، سه نیاز مرتبط را به خوبی درک کرد:

- ۱- نیاز ملذوب به انطباق با زمان.
- ۲- نیاز جامعه به داشتن پایگاه مذهبی.
- ۳- نیاز تحقق این دو نسل جوان.

دکتر شریعتی پس از درک این نیاز، به صورتی جدی، با داشتن مایه‌هایی مهم، چون اختراع و وسیع از مسائل تاریخ و جهان معاصر، قدرت تحلیل نیرومند، هنر سرشار، بیوغ فکری و ادبی، تخصص در جامعه‌شناسی، و خلوص اندیشه‌ای، به موفقیتی عظیم دست یافت و توانست انقلاب را تیرگی عظیم بخشد و توده‌هایی وسیع از نسل جوان را در جبهه اسلام قرار داده به حرکت درآورد.



آیت‌الله همدانی کیست؟ نوشته‌ها و سخنرانی‌های دکتر در روحیه جوانان در آن زمان و در برابر رژیم مسلمان‌نشین سازنده‌ی داشت و بهترین دلیل برای محدودیت‌هایی محسوب می‌شد که آن زمان این محدودیت‌ها از طرف رژیم ایجاد می‌شدند. لیکن پایه‌ی از برداشت‌ها و موضوع‌گویی‌های دکتر اثر منفی به‌جای گذاشت که رژیم می‌خواست از این بعد از فتنه به منظور تفرقه و آشوب در میان جوانان و درس‌خوانده‌ها و روحانیت بهره‌برداری کند و به این نکته نیز باید اعتراف کرد که آثار متأخر مرحوم دکتر، بهتر از آثار او بوده و نکات مهم‌تری داشت. به عقیده من، این جریانات هم ریشه مذهبی و هم ریشه سیاسی دارد.



شهید دکتر مصطفی بهرانی: دکتر علی شریعتی به درجه بی‌شائبه قابل تقدیر است. آدمی را انقلاب می‌کند روح از قید زمان و مکان آزاد کرده، به‌زبانیت و حدیث متصل می‌نماید و در المسلمان‌ها نه سیر و سیاحت می‌پردازد نه زیبایی‌های عجیب و خلاق و سوزنده به آدمی نشان می‌دهد و ابعادی جدید و مبهوت‌کننده و پرشکوهِ از خلقت به ما می‌نمایاند. در توفیق الهی بزرگوار علی را به ما هدیه کردی تا راه و رسم عشق‌بازی و فداکاری را به ما بیاموزد. چون نسیم بسوزد و راه ما را روشن کند و به عنوان بهترین و ازبده‌ترین هدیه خود او را به او تقدیم می‌کنیم تا در ملکوت اخلاقی شو بماند و زندگی جاوید خود را آغاز کند.



مهندس میر حسین موسوی: در هر تحقیقی راجع به شریعتی باید به موقعیت سیاسی فرهنگی دهان او در نظر آورده شود؛ ولی آنچه به نظر مفید می‌آید دکتر دهم آن است که معمولاً در برخورد با آثار شریعتی به بی‌اهمیت‌ترین بخش آثار او که همان برخورد و با روحانیت است، توجه می‌شود و تازه در این دو برخورد به موقعیت سیاسی-اجتماعی ویژه‌ای که دکتر در آن زندگی می‌کرد و یاد می‌گرفت و بی‌آموخت در نظر آورده نمی‌شود. به نظر من، چشم بستن بر میراث عظیمی که او برای ما نهاده است و تنها رفت کردن به این مسأله که آیا او با روحانیت چگونه روبرو شده است و عقاید او نسبت به روحانیت چیست چنان‌که ما را از تحقیق مضاعفه آثار او باز دارد نتیجه دیگری نخواهد داشت. به‌رحال، باید با اثر شریعتی به‌صورت زنده و نقادانه روبرو شد، با همان چیزی که خود او می‌خواست و تلاش برای آن که آثار او از دسترس مردم (هدای نکرده) خارج شود، یک جنایت ناشی از تعصب‌های کور و بی‌سرحام است.



حجت‌الاسلام والمسلمین عباسی: چون دلمان از یک امام بودیم و در تماس با امام بودیم و دلمان نمی‌خواست که با آن نهم تبلیغ، خاطر امام آزاده شود، در صدها کتبه بنیامین ایشان چه برخوردی می‌کنند. آنچه مسلم است امام تمامی آثار دکتر را مطالعه کرده‌اند. این مسأله‌ای است که حقیقت‌شاره و من با ناطعیت می‌گویم فرغی که امام در خارج از کشور داشتند و هر آن گوشه عویت و غریبی که جیرا دچارش بودند فرصتی شده بود در بیان که بیشترین اوقاتشان را اما مطالعه نگذاشتند. گذشته از مطالعات علمی که در رابطه با تدریس خودشان بود، مطالعه‌ی که قبل از درس مطالعه می‌کردند، بقیه اوقاتشان را عمدتاً صرف مطالعات کتاب‌های می‌کردند که در آن زمان در ایران به چاپ نرسیده بود یا بسیاری از حلقه‌مندان ایشان توضیح می‌کردند که ایشان این کتاب‌ها را نمی‌خواندند. اوقاتشان را تنظیم کرده بودند و بخش عمده‌ای از وقتشان را گذاشته بودند برای مطالعه این نوع کتاب‌ها و می‌توان گفت تقریباً تمامی کتاب‌های دکتر را در این مدت خوانند.